

امام خمینی «حروف مقبوله» و سلوک در تقدیر توحیدی
زمانه

اصغر طاهرزاده

www.ketab.ir

طاهرزاده، اصغر، ۱۳۳۰-

امام خمینی «رضوان الله تعالی علیه» و سلوک در تقدیر توحیدی زمانه / طاهرزاده، اصغر.-
اصفهان: لب المیزان، ۱۳۹۳.
۴۰۴ ص.

ISBN: ۹۷۸-۹۶۴-۲۶۰۹-۵۹-۸

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا

کتابنامه به صورت زیر نویس.

۱- خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، ۱۲۷۹ -
۱۳۶۸. - نقد و تفسیر، ۲- ایران -- تاریخ -- انقلاب اسلامی، ۱۳۵۷ -- رهبری.

۹۵۵/۰۸۴۲

۱۳۹۳ الف ۱۶ ط / ۱۵۷۷ DSR

۳۶۱۴۲۸۳

کتابخانه ملی ایران

امام خمینی «رضوان الله تعالی علیه» و سلوک در تقدیر توحیدی زمانه

اصغر طاهرزاده

چاپ: ونوس امشوی

نوبت چاپ: اول

لیتوگرافی: شکبیا

تاریخ انتشار: ۱۳۹۳

حروف چین: گروه فرهنگی میزان

قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

ویراستار: گروه فرهنگی میزان

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

صحافی: دی

طرح جلد: گروه فرهنگی میزان

کلیه حقوق برای گروه میزان محفوظ است

مراکز پخش:

تلفن: ۰۳۱-۳۷۸۵۴۸۱۴

۱- گروه فرهنگی میزان

همراه: ۰۹۱۳۶۰۳۲۳۴۲

۲- دفتر انتشارات لب المیزان

فهرست مطالب

- مقدمه ۱۳
- مقدمه‌ی مؤلف ۱۷
- جلسه‌ی اول، بصیرتی در شناخت تقدیر زمانه ۳۱
- معنای بصیرت تاریخی ۳۳
- فکری که باید به ظهور آید ۳۶
- از تاریخی که در آن هستیم بیرون می‌رویم ۴۲
- واقعی‌ترین تفکر ۴۵
- سعادت‌ی که با شعور و تفکر همراه است ۴۷
- چرا از مسلمانی خود نتیجه‌ی لازم را نمی‌گیریم؟ ۵۰
- تغذیه از چشمه‌ی جوشان کربلا ۵۲
- خصوصیات تاریخی که در آن به سر می‌بریم ۵۴
- کمال آگاهی ۵۷
- جلسه‌ی دوم، نگاهی که اسلام را در حجاب می‌برد ۶۵

..... امام خمینی «رضوان الله تعالی علیه» و سلوک در تقدیر توحیدی زمانه

- یک نگاه ۶۷
- آرمانی که در حجاب رفت ۶۸
- تولد روحی دیگر ۷۳
- شروع فرآیند تمدن اسلامی ۷۵
- جایگاه موانع در انقلاب اسلامی ۷۸
- قرائت انقلاب اسلامی در متن مدرنیسم؟! ۸۲
- انقلاب اسلامی و ظهور نسبت‌های جدید ۸۴
- تقدیری که باید احساس شود ۸۶
- حکمت متعالیه و زیرساخت‌های فکری تمدن اسلامی ۹۰
- تفاوت عشق مجازی انسانی با عشق مجازی حیوانی ۹۲
- ریشه‌ی صنعت‌گری در انسان ۹۵
- چگونگی رجوع به حضرت امام خمینی «رضوان الله تعالی علیه» ۹۸
- آینده چگونه شکل می‌گیرد ۱۰۲
- جلسه‌ی سوم، نسبت تفکر با زمان خود ۱۰۷
- بازگشت به امکان تفکر ۱۰۹
- هرگز غربی نمی‌شویم ۱۱۱
- نسبتی بین تعقل و تقدیر زمانه ۱۱۴
- الهام اصول کلی تقدیرات زمانه به قلب رهبران ۱۱۷
- ما در چه عصری زندگی می‌کنیم؟ ۱۲۰
- وقتی تاریخ جدیدی شروع می‌شود ۱۲۳
- نسبت فکر و شناخت زمانه ۱۲۵
- چگونه فکر به سراغ انسان می‌آید؟ ۱۲۶
- هنر درک تقدیر زمانه ۱۲۹

- ۱۳۱ تفکر، ما را به چه می خواند؟
- ۱۳۲ رهایی بشر امروز از سرگردانی
- ۱۳۴ نمونه‌ای از عدم تفکر
- ۱۳۷ برکت اصلی نظر به تقدیر زمانه
- ۱۳۹ تقدیری که اشراق شد
- ۱۴۰ عقلی که بتوان با آن انقلاب اسلامی را درک کرد
- ۱۴۴ وضع حضوری ما در جهان هستی
- ۱۴۷ خطر انحراف
- ۱۵۳ جلسه‌ی چهارم، برکات شناخت تقدیر تاریخی
- ۱۵۵ حضور با نور عصمت امام معصوم
- ۱۵۷ او راه حل‌های ملکوتی به میان آورد
- ۱۵۹ خدایی که ظهور کرده
- ۱۶۱ معنای رجوع به حضرت امام خمینی «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه»
- ۱۶۶ مقلد یا متفکر
- ۱۷۱ معنای رابطه‌ی اشراقی
- ۱۷۵ چگونگی احساس تقدیر تاریخی
- ۱۷۸ مجال فرایند ظهور حقیقت
- ۱۸۳ وظیفه‌ای برای آینده
- ۱۸۵ انسان مناسب انقلاب اسلامی
- ۱۸۸ تفاهم قدسی
- ۱۹۲ اشراقی مناسب طلب
- ۱۹۶ برکات تغییر رویکردها
- ۲۰۱ جلسه‌ی پنجم، حضور در متن تاریخ توحیدی امروز ما

..... امام خمینی «رضوان الله تعالی علیه» و سلوک در تقدیر توحیدی زمانه

- نقطه‌ی ارتباط با خدا..... ۲۰۳
- تفکر به معنای امروزی آن..... ۲۰۶
- راه جدایی از غرب..... ۲۱۰
- برکات نگاه وجودی به موضوعات..... ۲۱۴
- موانع تفاهم قدسی..... ۲۱۸
- رجوع وجودی به خداوند..... ۲۲۳
- برکات نگاه حُبّی و سیر وجودی..... ۲۲۶
- اتحاد بین مُحبّ و محبوب..... ۲۳۰
- آسیب‌های غفلت از تقدیر زمانه..... ۲۳۲
- راز استحکام امام خمینی «رضوان الله تعالی علیه»..... ۲۳۶
- حضرت امام خمینی «رضوان الله تعالی علیه»؛ مظهر اراده‌ی الهی..... ۲۳۸
- محل تفصیل نور امام خمینی «رضوان الله تعالی علیه»..... ۲۴۱
- ایستادن در نقطه‌ای جلوتر از زمان..... ۲۴۳
- روحی ماورای نظر به مشهورات..... ۲۴۶
- عدول این قرن..... ۲۵۲
- موانع حضور در تاریخ توحیدی آینده..... ۲۵۶
- جلسه‌ی ششم، هویت ما در تاریخی که شروع شده..... ۲۵۹
- فهم شئون تاریخی..... ۲۶۱
- راز ریزش‌ها..... ۲۶۴
- آینده‌ی ما چه آینده‌ای است؟..... ۲۶۸
- نحوه‌ی ظهور تمدن‌ها در تاریخ..... ۲۷۲
- انسانی که در حال تولد است..... ۲۷۶
- چه کسی در دوران خود زندگی می‌کند؟..... ۲۸۰

- ۲۸۴ عقلی که برای حضور در آینده نیاز است
- ۲۸۷ رابطه‌ی انقلاب اسلامی با تاریخ‌سازی حکمت متعالیه
- ۲۹۴ ریشه‌ی بصیرت تاریخی
- ۲۹۹ ملاک تفکر و بی‌فکری
- ۳۰۵ جلسه‌ی هفتم، انقلاب اسلامی؛ حقیقت قدسی تاریخ ما
- ۳۰۷ شواهدی بر ظهور اراده‌ی خاص الهی
- ۳۱۳ برکات زمان‌شناسی
- ۳۱۵ زبانی در راستای عبور از مدرنیته
- ۳۱۸ راز تقابل تمام قد نظام استکباری با ما
- ۳۲۱ بهترین نگاه به انقلاب اسلامی
- ۳۲۶ وظیفه‌ی بسیار حساس نیروهای انقلاب
- ۳۲۸ انقلاب اسلامی؛ چهره‌ی آشنای مردم
- ۳۳۱ انقلاب اسلامی، حقیقتی دو مراتب
- ۳۳۳ اتحاد شخصیت امام خمینی «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» و انقلاب اسلامی
- ۳۳۴ خدای مطلوب عرفا
- ۳۳۷ نظر به انقلاب اسلامی با کدام عقل؟
- ۳۳۹ بهترین نگاه به انقلاب اسلامی
- ۳۴۱ راز ریزش‌های انقلاب
- ۳۴۳ عبور از رنج بی‌تاریخی
- ۳۴۵ انقلاب اسلامی و وظیفه‌ای که در پیش رو داریم
- ۳۴۸ مهم‌ترین فداکاری امروز ما
- ۳۴۹ هنوز ما خود را به خطر نینداخته‌ایم
- ۳۵۰ وظیفه‌ی بزرگ

- ۳۵۰ نه آن خطر کردنی که از حکمت دور باشد
- ۳۵۱ نه در جزیره‌ای به نام ایران
- ۳۵۱ انقلاب اسلامی در تار و پود آینده
- ۳۵۲ خطری که گروه‌های فرهنگی را تهدید می‌کند
- ۳۵۲ کامیابی قطعی ماوراء آنچه پیش آمده
- ۳۵۳ معنای بی‌عالمی
- ۳۵۳ تعهدی نانوشته
- ۳۵۴ پرورشی که باید آغاز شود
- ۳۵۵ انتقادی که واجب است
- ۳۵۵ استقبال از خطر
- ۳۵۵ بزرگ‌ترین وظیفه‌ی ما
- ۳۵۶ شیعه یعنی راه کار زندگی
- ۳۵۶ آزادی مطلوب
- ۳۵۷ تحولاتی هولناک‌تر از حمله‌ی چنگیز
- ۳۵۷ باتلاق گنبدیده‌ی آرمان‌های کوتاه
- ۳۵۸ نگاهی زندگی‌ساز
- ۳۵۸ زندگی‌های کاغذی
- ۳۵۹ انسان‌های کامل، اصول پایدار انسانیت
- ۳۶۰ دیگر بشر نمی‌خواهد در بستر بزدلی استراحت کند
- ۳۶۱ نقشه‌ی راه
- ۳۶۲ خطر زمین‌گیری انقلاب اسلامی
- ۳۶۳ مواظب باش عقب‌نمانی
- ۳۶۳ تغییر مفهوم نظام بین‌المللی

- ۳۶۴ ظهور جنبه‌ی یمنی انسان‌ها
- ۳۶۵ جوامع ناقص الخلقه
- ۳۶۶ گله‌های بزدل یا لشکریانی فداکار
- ۳۶۶ وقتی پول جای دین را بگیرد
- ۳۶۷ آنچه تازگی دارد
- ۳۶۷ آینده‌ای پایدار
- ۳۶۸ رقیب را با چشم ننگرید!
- ۳۷۰ روحی در میان آمده!
- ۳۷۲ معنای تمدن حقیقی
- ۳۷۵ تمدنی که ما مدّ نظر داریم
- ۳۷۵ این همان جدایی از نستان است
- ۳۷۶ به اسم تساوی حقوق
- ۳۷۸ کدام دارایی؟
- ۳۸۱ تشکیلات سیاسی و انقلاب اسلامی
- ۳۸۴ نجات از اکنون‌زدگی
- ۳۸۴ آثار سقوط غرب
- ۳۸۶ وقتی شرافت و کیفیت مدّ نظر نباشد
- ۳۸۸ عبور از خویش‌فریبی
- ۳۹۰ نشانه‌ی خاموشی یک تمدن
- ۳۹۲ عاقبت به‌خیری در بیهودگی؟
- ۳۹۳ آن‌گاه که دایره‌ی تصرف دجال تنگ می‌شود
- ۳۹۴ مهلتی نداریم تا خسته باشیم

مقدمه

باسمه تعالی

۱- اگرچه مباحث این کتاب به قصد تبیین مطالب کتاب «سلوک ذیل شخصیت امام خمینی «رضوان الله تعالی علیه» مطرح شده است ولی از آنجایی که بعضی از فرازهای این کتاب با مقدمه‌ای جدید و رویکردی هرچه زمان‌شناسانه‌تر به میان آمده است، می‌تواند به عنوان یک بحث مستقل جهت دقت هرچه بیشتر در توجه به هویت حقیقی انقلاب اسلامی برای اهل تدبیر مورد توجه قرار گیرد.

۲- هدف از تدوین این کتاب تفصیل تذکری است که در کتاب «سلوک ذیل شخصیت امام خمینی «رضوان الله تعالی علیه» به میان آمد، و این یعنی تذکر رجوع به تفکری که باید در این عصر و تاریخ بدان دست یابیم، تا نه تنها از سوء فهم‌هایی که گرفتار آن هستیم عبور کنیم، بلکه به قلمرو تفکری وارد شویم که تفکر حضور در ذیل اراده‌ی الهی است و خداوند در این دوران برای ما مقدر فرموده. این جا است که متوجه می‌شویم از طریق حضرت امام خمینی «رضوان الله تعالی علیه» و انقلاب اسلامی، سنتی خاص به میان آمده است و هر کس نسبت خود را با آن سنت عمیقاً درک کند نسبت به انحطاطی که عالم را فرا گرفته، به بصیرت لازم دست یافته و از ظلمات دوران رهایی می‌یابد.

۳- صورت مشیت اراده‌ی الهی جهت هدایت بشر در این زمان در راستای شریعت اسلام، بر قلب حضرت امام خمینی «رضوان الله تعالی علیه» اشراق شد و آن روحی گشت در کالبد انقلاب اسلامی، مثل حضور نفس در بدن، و لذا در صورت اتحادی خاص با انقلاب اسلامی از طریق سلوک ذیل شخصیت امام خمینی، می‌توانیم با خداوند به صورتی حضوری مرتبط شویم و راه رجوع به خدا را در مقابل خود بگشاییم. این است آن سلوک الی الله که امروز خداوند در مقابل ما گشوده است.

۴- ما با مشیت الهی در این دوران مرتبط نگردیم نمی‌توانیم از انس با خدا به معنای واقعی آن سخن بگوییم. راه‌های رسیدن به خدا به عدد انفاس خلاق است ولی امروز همه‌ی این راه‌ها از مسیر انقلاب اسلامی می‌گذرد که می‌خواهد دوران نسیان بشر از خدا را پشت سر گذارد. از این جهت تأکید می‌شود امروز رجوع به حق تنها با انقلاب اسلامی ممکن است.

وقتی انقلاب اسلامی را آینه‌ی گفتگوی خدا با بشر امروز دیدید - شروط بر این که انقلاب را در نظام اجرایی محصور ندانید - به مشیت و اراده‌ی نظر کرده‌اید که در کالبد انقلاب اسلامی ظهور کرده و در معادلات جهانی در حال تعین بخشیدن به خویش است و مثل نفخه‌ی روح در جسم و تعین روح در حرکات و سکانات انسان که در عین ظهوری محدود در حرکات بدن، نامحدود بودن خود را حفظ می‌کند و در عضوی محصور نمی‌شود، انقلاب اسلامی نیز در دولتی محصور نمی‌گردد بلکه زاینده‌ی همه‌ی آن چیزهایی خواهد بود که بشر امروز به آن نیاز دارد.

۵- کافی است برای شما در این کتاب مسلم شود که انقلاب اسلامی اراده‌ی خاص الهی است که به صورتی اشراقی بر قلب حضرت امام خمینی «رضوان الله تعالی علیه» تجلی کرده، از آن به بعد در نسبت شما با این انقلاب تحولی اساسی رخ خواهد داد که از یک طرف از تمام پوچی‌های دوران رهایی می‌یابد و از طرف دیگر زندگی در زیر سایه‌ی انقلاب اسلامی و در اتحاد با ملکوت حضرت امام خمینی ظهور خواهد کرد و از این طریق به همه‌ی آن معنایی که باید برسید دست می‌یابد. آری کسی که به دنبال امری سترگ است باید خود را برای آن امر آماده سازد. اتحاد با ملکوت حضرت روح الله «رضوان الله تعالی علیه» کار ساده‌ای نیست و محتوای خاصی را از شما طلب می‌کند و محدودیت‌هایی را در مقابل امیال شما قرار می‌دهد.

۶- حضرت امام خمینی «رضوان الله تعالی علیه» که متوجه جایگاه تاریخی انقلاب اسلامی می‌باشند، خود را مسئول رسالتی سترگ برای بیان رخدادی بزرگ احساس می‌کنند؛ رخدادی که چون از طرف خداوند اراده شده و عمق ایمان انسان‌ها را مورد خطاب قرار داده، ریشه در درونی‌ترین سطوح حیات دارد و از این جهت امیدوارانه چشم به آینده دوخته، زیرا جهت گردش زمانه با اندیشه‌ی او هماهنگ است و در این راستا می‌تواند صادقانه خبر دهد «آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند».

۷- وقتی ملتی بتواند درست به خود بیندیشد و متوجه جایگاه تاریخی خود شود، دارای تاریخ می‌گردد. ما از طریق امام خمینی «رضوان الله تعالی علیه» توانستیم به خود بیندیشیم و متوجه جایگاه تاریخی خود شویم. آری ما از طریق انسانی بزرگ مثل امام خمینی توانستیم به خود بیندیشیم و بفهمیم

در کجای تاریخ قرار داریم و از رنج بی تاریخی رهایی یابیم. وظیفه‌ی ماست که از شناخت بیشتر این موضوع غافل نباشیم. شاید کتابی که روبه‌رو دارید متذکر این امر باشد.

۸- مطالبی را که در این کتاب گرد آمده است می‌توان در سه بخش عنوان کرد: بخش اول که از جلسه اول تا ششم را در بر می‌گیرد مجموعه مباحثی است که در شهر مقدس قم برگزار شد. در این بخش، دریچه‌های نوینی جهت تحلیلی دقیق نسبت به جایگاه هستی‌شناسانه انقلاب اسلامی گشوده شده است. بخش دوم که تحت عنوان «انقلاب اسلامی، حقیقت قدسی تاریخ ما» در جلسه هفتم آمده، حاصل نشست است که در تهران انجام شد. در این بخش به مخاطبان متذکر می‌شوند از کدام پایگاه معرفتی باید به انقلاب اسلامی نگاه کرد تا به انقلاب اسلامی در محدوده‌ی نگاه غربی نظر نکرده و عملاً ابعاد بسیار مهمی از انقلاب را نادیده نگرفته باشیم. بخش سوم، یادداشت‌های استاد تحت عنوان «وظیفه‌ای که در رابطه با انقلاب اسلامی در پیش رو داریم» است که نیاز به شرح و تفصیل دارد و البته بعد از مطالعه بخش اول و دوم، می‌توان نسبت به موضوعات مطرح شده در این بخش به اندیشه نشست و به ابعاد و امکانات پیش روی انقلاب و تمدن نوین اسلامی نظر نمود. به امید آن که در خصوص وظیفه‌ای که نسبت به انقلاب اسلامی داریم کوتاهی نکرده باشیم.

گروه فرهنگی المیزان

مقدمه‌ی مؤلف

باسمه تعالی

۱- وقتی آموزه‌های دینی، ما را متوجه این امر می‌کند که مشیتی بر انسان‌ها و تاریخ آن‌ها حاکم است که از چشم عموم پوشیده‌است ولی انبیاء و اولیاء متذکر آن هستند، ما بر آن می‌شویم که بدانیم در هر صورت در زیر سایه‌ی اولیاء الهی، آن مشیت و سرنوشت باید از طریق ما ظاهر شود و تحقق یابد و گرنه جهت شکوفایی خود، مطابق اراده‌ی الهی عمل نکرده‌ایم، همان طور که وقتی حضرت سیدالشهدا علیه السلام در رؤیایی که رسول خدا صلی الله علیه و آله را در آن دیدند از حضرت شنیدند که فرمودند: «فَإِنَّ اللَّهَ قَدْ شَاءَ أَنْ يَرَاكَ قَتِيلًا إِنَّ اللَّهَ قَدْ شَاءَ أَنْ يَرَاهُنَّ سَبَايَا» (ترجمه لهوف، ص ۶۵) خداوند می‌خواهد تو را در این مسیر کشته‌شده و خانواده‌ی تو را اسیر ببیند. حضرت امام حسین علیه السلام همه‌ی اختیار خود را در مسیر اراده‌ی الهی که از طرف جدشان از آن آگاه شدند، به کار بردند و به عالی‌ترین شکوفایی ممکن رسیدند.

انبیاء و اولیاء امکانات و خصوصیات تاریخی را که ما در آن به سر می‌بریم به ما متذکر می‌شوند تا ما در بستر تاریخ خود به شکوفایی لازم دست یابیم.

یک ملت تنها پس از قرار گرفتن در شرایط تحقق مشیت الهی در زندگی‌شان به خود آگاهی و تفکر تاریخی لازم می‌رسند و عملاً اراده‌ی خداوند را به ظهور می‌رسانند. در این صورت این ملت در مقابل همه‌ی موانعی که اراده‌های شیطانی دوران ایجاد می‌کنند می‌ایستند و پیروز خواهند شد و آینده را از آن خود خواهند کرد.

۲- کافی است به جای آن که گمان کنیم آن‌چه در تاریخ ما می‌گذرد اتفاقی است، متوجه شویم همه چیز حکیمانه مدیریت می‌شود و این اصلی است که نمی‌توان آن را انکار کرد. اگر تاریخ با نظر به مشیت الهی به اندیشه درآمد در خواهیم یافت که بشر نیز در جریان تحقق اراده‌ی الهی نقش دارد.

۳- اگر متوجه غلبه‌ی مشیت الهی بر همه‌ی قلمروهای حیات انسان‌ها در طول تاریخ باشیم، در آن صورت مطالعه‌ی تاریخ، مطالعه‌ی نحوه‌ی ظهور متفاوت مشیت خداوند در عالم است و راهی است برای خداشناسی غیر انتزاعی. به شرطی که تنها به شناخت جزئیات محدود نشویم و از شناخت امرِ والا یعنی سنت‌های جاری در عالم، چشم‌پوشی نکنیم.

اگر انسان در مرتبه‌ی احساس بماند به هیچ ادراک کلی نمی‌رسد تا وارد عالم تفکر شود. آن‌چه اهمیت دارد تشخیص مصلحت‌های بزرگ در هر تاریخی و نسبت آن‌ها با اراده‌ی الهی است و اعمال انسان‌های بزرگ

مثل حضرت امام خمینی «رضوان الله تعالی علیه» بر همین اساس مورد توجه قرار می‌گیرد. این انسان‌ها از پندارهای معمولی فراتر رفته‌اند که می‌توانند مصلحت‌های بزرگ زمانه‌ی خود را تشخیص دهند.^۱

۴- روح هر ملتی در هر زمانی با اراده‌ی الهی در آن زمان پیوند دارد و اگر آن ملت آمادگی لازم را از خود نشان دهند هر کاری که از آن‌ها سر می‌زند با اراده‌ی حضرت رب العالمین هماهنگ خواهد بود و آن ملت نمودی از اراده‌ی الهی هستند. ملت‌ها به میزانی که متوجه این امر باشند، نقش آفرین خواهند بود و موفق به ساخت جهانی معنوی و دینی خواهند شد که آینده‌ی تاریخ از آن تغذیه می‌کند و آن‌ها بر آینده‌ی تاریخ فرمانروایی خواهند کرد.

۵- یکی از علل انحطاط یک ملت ترجیح خواست فردی افراد بر مشیت و اراده‌ی کلی حضرت حق است. اراده‌ای که همه باید در ذیل آن قرار گیرند- و مهم‌ترین کار متفکران جامعه توجه به حضور مشیت الهی و نظر به غایتی است که خداوند برای یک ملت اراده کرده‌است.

در افراد مختلف کوشش‌های بسیاری وجود دارد ولی آن کوشش‌ها وقتی اهمیت دارند که در جهت غایت نهایی یعنی ظهور مهدی علیه السلام باشند و از این جهت در این عصر و این زمانه هر حرکتی که در مسیر به نتیجه

۱ - مقام معظم رهبری «حفظه الله» در صحبت خود با نمایندگان مجلس خبرگان در تاریخ ۱۳/۶/۱۳۹۳ فرمودند: ما به مسائل جهانی و مسائل منطقه‌ای و از جمله کشورمان، باید نگاه کلان و جامع داشته باشیم. این نگاه کلان به ما معرفت و بصیرتی را عطا می‌کند که اولاً واقعیت خودمان را، جایگاه خودمان را، استگاه خودمان را در وضع کنونی بازیابی کنیم و بفهمیم در چه وضعی قرار داریم، بعد هم به ما تعلیم می‌دهد که برای آینده چه باید بکنیم.

رساندن انقلاب اسلامی باشد حرکتی معنی دار خواهد بود و انسان را از نیست‌انگاری زمانه‌هایی می‌بخشد و او را از نظر به منافع فردی، به مقاصد بالاتری می‌برد.

۶- هر کس در ذیل تاریخی که اراده‌ی الهی برای او رقم زده است می‌تواند آن‌چه را در درون دارد به ظهور رساند و در این رابطه عناصر تشکیل دهنده‌ی یک ملت، دارای سازگاری کاملی خواهند بود و نمی‌توان عناصر تشکیل دهنده‌ی یک قوم را با عناصر تشکیل دهنده‌ی قوم دیگر جابجا کرد و گمان کنیم می‌شود انقلاب اسلامی راه‌های برآوردن اهداف خود را در غرب جستجو کند.

۷- رهبران واقعی ملت‌ها اصول کلی تاریخ خود را در درون خویش به الهام دریافته‌اند و در صدد تحقق بخشیدن به آن اصول کلی بر می‌آیند. قدرت رهبران تاریخی ملت‌ها نتیجه‌ی پیوند آن‌ها با مشیت الهی است که به آنان الهام و اشراق شده است و لذا راهی که چنین رهبرانی در تاریخ می‌کشایند مسیر سایر انسان‌های آن دوران خواهد بود و آن الهام و اشراق، منشأ تحولات بزرگ خواهد شد، هر چند با رنج‌های بزرگ همراه باشد ولی آن رهبران بزرگ برای پیوند خود با مشیت الهی به رنج‌ها و سختی‌ها اهمیت نمی‌دهند و خواهند گفت: «خمینی را اگر دار بزنند تفاهم نخواهد کرد.....»^۲

۸- سیاست در هر حال، مبنا و اساس حقیقی می‌طلبد، اگر سیاست از دیانت و مشیت الهی که در درون ملت جریان دارد، فاصله بگیرد به امری

انتزاعی و غیر واقعی تبدیل می‌شود و دیگر خواست کلی زمانه و خواست افراد نیست تا هر کس آزادی خود را در همراهی با خواست جمعی که در نظام اسلامی تحقق یافته بنگرد اما با انقلاب اسلامی است که می‌توان به سیاستی دست یافت که ریشه در حقیقت داشته باشد، چیزی که در شخصیت حضرت امام خمینی «رضوان‌الله تعالی علیه» ملاحظه کردید و در اعلام مهدورالدم بودن سلمان رشدی ظهور کرد.

۹- وظیفه‌ی اهل تفکر آن است که در تاریخ خود نقش آفرینی کنند و آنچه را که منسوخ است و دورانش به پایان رسیده نشان دهند تا جامعه گرفتار بی‌فکری و کودنی فرهنگی نشود. کودنی فرهنگی چیزی نیست جز مشغول شدن بر اموری که مربوط به تاریخ گذشته است. وقتی تاریخ جدیدی در حال وقوع است آن کس که هنوز در گذشته زندگی می‌کند و در نتیجه منزوی می‌شود، باید خود را در انزوای خود مقصر بداند زیرا نگاه نکرد که اراده‌ی الهی در این دوران به چه چیز اشاره دارد تا امروز نیز وارد ساحت آگاهی گردد.

۱۰- از آن جایی که هر زمانه‌ای مسائل خاص خود را دارد، متفکران بزرگ با توجه به آن مسائل متوجه مشیت الهی در آن زمانه می‌شوند و راه حلی ارائه می‌کنند که جوابگویی به همه‌ی مسائل آن زمانه در آن راه حل می‌گنجد؛ از این لحاظ می‌گوییم هر زمانی، متفکر و فکر زمانه‌ی خود را می‌طلبد بدون آن که از افقی که متفکران گذشته گشوده‌اند روی برگرداند.

۱۱- درست است که وقتی به اراده‌ی انسان‌هایی که در مقابل مشیت الهی سربر کشیده‌اند نظر کنیم متوجه می‌شویم رسیدن به جامعه‌ی مطلوب دشوارتر از آن است که در ابتدای امر گمان می‌شد ولی این بدین معنی نیست که برای شکوفایی خود و جامعه راه حل دیگری هست بلکه می‌فهمیم خداوند از ما پایداری و مقاومت بیشتری را انتظار دارد و می‌خواهد تاریخی را به ظهور برسانیم که بناست اندیشه‌های ژرف در آن ظهور کند.

۱۲- انسان به خود شناخت دارد ولی وقتی این شناسایی در نسبت با شخصی دیگر و یا چیزی دیگر و یا زمان دیگر معنا شود، خود آگاهی پیش می‌آید و در این رابطه خود آگاهی تاریخی، آگاهی انسان است به خودش در نسبت با زمانه و تاریخی که در آن به سر می‌برد.

۱۳- کمال آگاهی انسان با ارتباط با خدا به ظهور می‌رسد و از طرفی خدا در مظاهرش ظهور دارد که از جمله‌ی آن مظاهر، انقلاب اسلامی است و در نتیجه کمال آگاهی ما در امروز تاریخ‌مان با نظر به انقلاب اسلامی محقق می‌شود زیرا تاریخ، محل تحقق عنایت و مشیت ربوبی است، همان‌طور که طبیعت عرصه‌ی ظهور مشیت خداوند است. آیا می‌توان گفت تفکر، چیزی جز مطالعه‌ی تاریخ است از آن جهت که خدا در آن نمایان شده؟ در این رابطه قرآن می‌فرماید: «أَقْلَمَ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونُ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا» (حج، ۴۶). آیا منکران حقیقت نبوی در زمین سیر نکرده‌اند و سرنوشت منکران نبوت را ملاحظه نکرده‌اند تا در اثر آن سیر، قلب‌هایی پیدا کنند که به کمک آن قلب،

تعقل کنند و گوش‌هایی به دست آورند که به کمک آن‌ها سخن حق را بشنوند؟

۱۴- اگر با نگاهی وجودی به انقلاب اسلامی به عنوان مظهر اشراق سنت الهی در این دوران بنگریم و مقدمات این نوع نظر کردن را در خود فراهم کنیم، دیگر نیاز نیست که قصد کنیم انقلاب اسلامی را آشکار نماییم، انقلاب اسلامی از طریق نظر به ملکوت حضرت امام «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» بر ما آشکار می‌شود.

۱۵- در انقلاب اسلامی و در تاریخی که شروع شده، ارزش و جایگاه دولت‌ها در نسبت آن‌ها با اهداف انقلاب فهمیده می‌شود نه با تعریف و تبلیغی که خود برای خود می‌کنند.

۱۶- در سوره‌ی یوسف عليه السلام ملاحظه می‌کنید وقتی بنا است در هفت سال آینده ملتی را قحطی فرا گیرد چگونه بر کسی که مسئولیت سرنوشت آن ملت را بر دوش او گذارده‌اند شکل آن قحطی الهام می‌شود و عزیز مصر مکرر خواب می‌بیند هفت گاو قریه را، هفت گاو لاغر می‌خورند و هفت خوشه‌ی سبز و هفت خوشه‌ی خشک، و از طرف دیگر بر قلب سالک واصلی مثل حضرت یوسف عليه السلام اشراق می‌شود که قضیه از چه قرار است. این نشان می‌دهد که خداوند همواره در هر زمانی متناسب با نوری که اشراق می‌نماید، سرنوشت آن تاریخ را مدیریت می‌نماید و انسانی را جهت این امر انتخاب می‌کند. همه‌ی شواهد خبر از آن می‌دهد که آن انسان در این زمان، حضرت امام خمینی «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» است که خداوند در جان او انواری از اسماء الهی را متجلی کرده تا جهان امروز را

که از دریای وجود به خشکی پوچی افتاده بود، به موطن اصلی خود برگرداند و بشر بتواند نسبت خود با حق را بازخوانی نماید. با توجه به این امر می‌گوییم نسبتی بین انقلاب اسلامی و اراده‌ی خاص الهی در این زمان برقرار است و فیض خاصی از این طریق به بشر امروز خواهد رسید تا ما جهت جستجوی وطن، قادر به تفکر بشویم و از بی‌خانمانی این عصر رهایی یابیم. با توجه به این امر می‌گوییم هرکاری وقتی اساسی و نتیجه‌بخش است که در این مسیر قرار گیرد و جایگاه خود را با انقلاب اسلامی و اراده‌ی الهی روشن نماید و با چنین الهیاتی پیش رود.

۱۷- همگی حرف در نسبت ما با حضرت امام خمینی «رضوان الله تعالی علیه» نهفته است و این نسبت باید بدون هر گونه تقلیدی کشف شود و از آن جایی که خروس خانگی تازه پس از طلوع فجر خواندن را آغاز می‌کند، اهل فکر با نظر به جایگاه تاریخی انقلاب اسلامی می‌توانند تفکر را شروع کنند و به استقبال اراده‌ی الهی در این دوران بروند.

فراتر از انقلاب اسلامی در این زمانه ممکن نیست ولی با فهم انقلاب اسلامی در ذیل شخصیت امام خمینی به درکِ حضوری مشیت الهی نایل خواهید شد و این بالاترین تفکری است که امروز می‌توان به آن دست یافت. مگر واقعی‌ترین تفکر، تفکر بر واقعی‌ترین واقعیات نیست؟ هرچند ظاهربینان همیشه از دیدن آن محروم‌اند و مستکبران سعی در ندیدن آن دارند.

۱۸- تفکر به معنای جداشدن از واقعیت نیست، انسان متفکر همیشه باید با واقعیت زندگی کند، اما نه در سطح واقعیت بلکه در گوهر واقعیت

که آن همان مشیت الهی در هر زمان و هر عصر است. پس متفکر، نه در بیرون از زمان زندگی می‌کند و نه گرفتار زمان‌زدگی است، تا بتواند به شرایطی ماوراء وضع موجود بیندیشد و گمان نکند خداوند ما را به خود وا گذاشته و هر کس هر طور خواست می‌تواند عمل نماید، این اوج بی‌فکری است، زیرا از واقعی‌ترین واقعیات که سنت الهی در این عصر و زمانه است غفلت شده است.

۱۹- کسی که متوجه مشیت خداوند در عصر خود شد می‌فهمد که برای هر کاری آزاد نیست و اگر آزادی خود را به محتوای یگانه‌شدن با خدا نرساند به اسم آزادی، گرفتار سرگردانی شده است. انسان همین که به مشیت خاص الهی در عصر خود روی آورد، محدودیتش آشکار می‌شود و با تعلق اراده‌اش به محتوایی خاص می‌تواند زندگی خود را از روزمرگی و خودسری نجات دهد و سلوک در ذیل شخصیت امام خمینی «رضوان الله تعالی علیه» از طریق انقلاب اسلامی همان تعلق اراده است به محتوایی خاص و نجات از میان تهی ماندن اراده و پدیدار شدن هویت انسان در عصر و زمان خود به صورتی بالفعل و نه صرفاً انتزاعی.

۲۰- عمق انقلاب اسلامی و شخصیت حضرت امام با امر الهی پیوند خورده است و سیاست در این حالت، الهی شده؛ سیاست در ذات انقلاب اسلامی ماوراء آن چیزی است که امروز ما گرفتار آن هستیم. در این جا سیاست اداء همان عهدی است که انسان‌ها با خدا بسته‌اند و حالا باید در نسبت به همدیگر آشکار کنند و این است مسأله‌ی اصلی ما در زندگی زمینی برای آن که وفاداری به عهد خود را تحقق بخشیم.